

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوهستان

نامه تفصیلی

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۱

شنبه ۷ اسفند ۱۳۲۳

تک شماره ۴ ریال

نامه کوهستان

برای چه بوجود آمده است

در این موقع باریک که کشور بیش از هر وقت به فداکاری افراد نیازمند است، در این هنگام که در اکثر کشورهای جهان مردم به تهیه برنامه های بعد از جنگ و فراهم نمودن وسایل و راه هم میهنان خود اشتغال دارند.

در این هنگام که مردم زنده جز عظمت میهن خود هدف و آرزوی ندارند و شب و روز در راه موفقیت تلاش می نمایند، ما چه میکنیم؟

ما بجان هم افتاده آسایش عمومی را مغفل میکنیم، ما جز منافع شخصی خود بهیچ چیز توجه نمیکنیم، ما اصلاً مشغولیم دولت و تفرقه ای بوجود آوریم، ما دو دستی کلاه خود را چسبیده و بهر وسیله ای مشتبه میزیم تا آنرا محکم بر سر نگاه داریم.

در این گردباد حوادث هیچگاه بفکر هم میبنازم نیستیم. وطن را جز در استفاده نمی بینیم، و برای عظمت ایران بهیچ کاری با از خود گذشتگی تن در نمیدهیم.

آنکه وزیر است از تزلزل مقام نگران، آنکه وکیل است بی ترهیدین وزیر، آنکه مأمور است در بی استفاده شخصی با تهیه وسایلی برای امر و مماش، و در این میان ملت سرگردان است. ما همه میزاییم و از اوضاع شکایت میکنیم، ولی هیچکس نمیخواهیم شرکت ساهی تسامیم. میخواهیم دست بدست هم داده مشکلات سر راه را برداریم.

عده ای نامیدیم، و عده ای بی اعتنائیم و ممدودی میدوم، ولی چون باز هم دیدیم، بی یکنویست، بجای نمی رسیم.

از این هرج و مرج و سرگردانی کونته نظراتی چند استفاده میکنند. آنان که بهیچ چیز پاینده نیستند این فرصت را غنیمت می شمارند، و باس و نا امیدی را تقویت می کنند. برای پیشرفت اهدان شوم و بلبه خود از هیچ چیز خودداری نمیکنند. حب مقام دولتی یا شهرت پول آنان را بهره گیری و میدارد. افکار غلط رشد میدهند، توطئه بر پا میکنند، اخلال میسازند، برادر کشی راه میبندازند.

برای آنان استقلال ایران، عظمت کشور، حب وطن معنائی ندارد. نابود باد این گروه ناخلفان.

به معنای مختلف تفرقه ایجاد میکنند، بر سر مسائل کوچک بلوائی راه میبندازند تحت عنوان کرد - لر - ترک و امثال آن میخواهند دسته های تشکیل دهند و کوشش میکنند نکات ضمنی بیابند از آن بیخ حود و زبان کشور استفاده کنند غافل از اینکه ممدودی نفع برست هیچگاه چنین قدرتی نخواهد یافت که بتواند سابق تاریخی عربق آن و کسانی را که بگانه اقتضارشان ایرانیست است از هم جدا سازد.

چگونه ممکن است فکر کرد آذربایجانیان هوس جدائی از ما در سر داشته باشند؟ چگونه ممکن است الله بشاید اگر آرزوی غیر ایرانیست در فکر جای دهند؟ چگونه ممکن است خیال کرده شایر ایران خود را غیر ایرانی بدانند، با قدمی بزبان میهن بر دارند؟ آنان که بامیدی باین افکار خود را مشغول داشته اند و نظریات سومی دارند باید نابود شوند.

هوس استقلال!!!!

عده ای از ماجراجویان برای اینکه از آب گل آلود شده ماهی بگیرند، در مواقع حساس شاهه میدهند. اگر ادهوس استقلال دوسر دارند، دولت و انبیت به اگر ادهون میکنند و اگر ادر از دولت ناامید میشوند، از سر گرمی های دولت مأمور متعلق کشور سوء استفاده می کنند، با مردم بد رفتاری می نمایند، مردم ساده و بی آلابی هم گمان میکنند حقیقتاً دولت نظری بی به آنان دلاور آنان را از خود فیه اند، ناامید میگردد، ناراضی میشود. نا رضایتی های ممدودی از آنان را مأمورین استفاده جو بزرگ جلوه می دهند، نام طغیان - قائله - استقلال کرد بر آن میکنند. گزارش های مرمعه رمز - قوری - خیلی خیلی نوری و امثال آن میدهند تا دولت نگران شود، بگویند سر کوبی کنید، با جار و جنجال عده ای بیچاره و غلبا خدمتگزار را تهدید میکنند، بنام یاقی عده ای را توفیق میسازند و میگویند:

عالمه را خوابانیدیم و از استقلال کرد - لو گیری کردیم، در حالیکه تنی چند راهزن نادان را برای روز مبادا خدمت دولت نگاه میدارند تا هر وقت که لازم هد آنها را بشرازت و ادارت و بلوای مصنوعی دیگری میسازند.

این است خلاصه - حقیقت و طسرد بوجود آوردن آنچه را که مأمورین - خانواری می مغز بنام استقلال کرده شهرت میدهند.

اگر ادر در کلیه ارتمه تاریخی تعلق داده اند که از فرزندان و قادار این آب و خاکند. در هر موقع باریکی از فداکاری دریغ نداشته اند. آیا انصاف است که آنها را از خود باندازند؟ آیا وجدان اینطور امر میدهد که آنان را آشوبید

طلب بخوانند؟ در همین طهران، در این طهران قشنگ، اینتصت مملکت مگر دزدی نمیشود؟ مگر در دو فوسخی حسین طهران راهزن دیده نمی شود؟ بیرونیکویند این راهزنان دعوی استقلال دارند؟ و چرا در بیجا گراد اگر از روی نادانی با استیصال و بیارتر تبریک تنی چند راهزن یافت شده میگوبند؟ استقلال مکرده میخواهند؟ برای اینکه دو فرسخی طهران راه دوری نیست و نمیتوان برند های ضعیف بر حقایق پوشانید ولی کردستان از مرز کردور است و از این مزیت محروم.

واقعا شخص متعجب میشود وقتیکه می بیند یا می شود عده ای مأمور اشتباها یا عدا چنین تظاهراتی بر نالند معاصح علیه کشور می نمایند. آیا آنان واقعا مأموریت مخصوصی دارند که چنین افکاری را در مردم آن نواحی تبلیغ کنند؟ اینها مطالبی است که تحقیق و رسیدگی از وظایف دولت است.

ما با انتشار نامه کوهستان میخواهیم اینگونه نقشه های تبه کارانه را بر هم زیم اطلاعات موتتی در معرض افکار عامه قرار دهیم، تا از روی بصیرت برادران کرد خود را قضاوت نمایند.

ما مصمیم بر علیه اقدامات بی رویه عناصر ناپاک، خواه این عناصر نام مأمور دولت بر سر داشته باشند و خواه از مردمان محلی باشند، جدا اعتراض کنیم و بانام قوا بکوشیم تا آنان بکیفر اعمال خود برسند.

ما میخواهیم توجه خاص دولت را باین نواحی جلب کنیم و از دولت بخواهیم که در انتخاب مأمورین نهایت دقت کند تا مأمورین پاک و بی آلابی - وطن پرست و اصلاح طلب جایگزین مفسده جوینان گردند.

ما مصمیم ساکنین این مناطق را آگاه سازیم که اعمال ناروای مأمورین دولتی را خلاف میل و اراده دولت بدانند و در هر موقع ظلم یا تعدی از مأمورین دیدند آن را تقصیر مسلم خود آنان بشناسند.

ما میخواهیم آنانرا بر احام دولت امیدوار سازیم. مامعصیم در این راه قدم برداریم و برای موفقیت از ایزد توانا استمداد می طلبیم.

آقای فهیمی از کوهستان چه گفتند؟

تا هنگامیکه آقای فهیمی وزیر مشاور گزارش خود را در مجلس شورای ملی بسم نمایندگان رسانیده بود نظر دولت راجع به کردستان بر اکثر مردم پوشیده بود. بیانات ایشان پرده از روی حقایق برداشت و سیاست دولت را در این منطقه روشن ساخت خلق آقای فهیمی در مجلس علاوه بر بیان حقایق اهمیت بنزائی در همین سروسزه کردستان داشته و این بیانات صریح امیدواری هائی در سینه این مناطق ایجاد نموده است.

اگر چه بسیاری از علاقمندان از ما تقاضا نموده اند که چون نطق ایشان را چاپ نموده با اطلاع عموم برسانیم ولی کوچککی صفحات نامه کوهستان همتقدیر با اجازه می دهد که خلاصه ای از آنرا درج نماییم

بیانات آقای فهیمی در مجلس:

اما در قسمت اختصاصی بنده اول که به مستند وارد خدمت چند روزی که مشغول تحقیقات هستم دیدم از طرف يك اشخاصي يك بیغامانی می آید مثل اینکه میخواستند بنده را ملاقات کنند ولی میترسند من تعجب کردم دیدم من برای همین آمده ام که هر کس مطلبی دارد و هر کس حرفی دارد به بنده بگوید آقای آصف که همراه بودند ایشان يك اعلامیه ای منتشر کردند و در سلفیت دعوت کردند اشخاص را که هر کس حرفی دارد مطلبی دارد بیاید بگوید بعد از چندی بنده رفتم بنسفر در آنجا اول وهواش این بود که آقای فرمانده لشکر را ملاقات کردم و با اتفاق رفتم به خانه البته بناهای آنجا در نتیجه عدلیات محله رشید آتش گرفته و سوخته بود و این احساق فکر نکرده بود که برای چه اینکار را کرده است.

تو که میخواستی فرار کنی باشو برو مردم بیچاره را بی خانمان کردن و خانه های آنها را آتش زدن دیگر چه بود تو که نه جنگی کردی نه دعوائی کردی میخواستی فرار کنی بکن اینطور اذیت کردن مردم بیچاره چه فایده داشت!

بهر حال بگفته ام آمده بودند و مشغول تعمیر خانه هایشان بودند بنده اینطور احساس کردم که بایشان گفته شده است که بنده برای اصلاح کار محده رشید آمده ام نه برای اصلاح کار آنها چنانکه بایستی دو نفر از علما که صحت شد اظهار می کردند که اگر دولت می خواهد با سعد رشید که کند پس ما بکاره ایم من خیلی تعجب کردم گفتم شخص اعلی حضرت هابونی روزی که این واقعه را شنیدند مثل این که یکی از کسانی خودشان مورد بگشودند واقع شده باشد همانطور متاثر شدند و بهین جهت هم بنده را شاه نخست وزیر برای اصلاح کارشاهها و دلجویی شاهها نرستادند نه برای محده رشید و بقیه بنده باید جلوی همین بناهای روی محده رشید رفت بریزند و او را آتش بزنند من چه اصلاحی در کار او می خواهم بکنم! من فقط برای اصلاح کارشاهها آمده ام.

این اسباب امیدواری آنها شد و فکر آنها تغییر کرد و اظهار تشکر می کردند و وعده دادم که بآنها وسایل لازم داده شود هب رفتن بنسفر و مقدار زیادی نیرو لوازم تنائی و آهن و غیره ذالك بآنها و بکار فرستادم بیانه و چند روزی آنجا بودم لوازم برده و مشغول تعمیرات بودند و چند نفر از اهالی زاده ها و غیره از جامای دبیر جمع شده بنده آمدم سز آنها هم آمدند بنسفر آنها را از سابق می شناختم تحقیقاتی کردم بینم در موقعی که محده رشید شروع به فرار کرده است چه اشخاصی با او همراهی کرده اند و چه اشخاصی نگردند اندستی شنیدم یکمده اشخاصی که املاکشان در اطراف بانه و میرده و آنجا ها واقع است وقتیکه محده رشید تو کر دولت بوده آنها هم سر املاک خودشان بوده اند و حالا املاک آن را گذاشته اند و رفته اند در بوکان و جای دیگر مانده اند که بگو بنده آنها طرف مصدر رشید بوده اند.

خوب بنده هم اشخاصی را که خدمتگزار هستند و از مامورین سابق دولت هم يك تصدیقاتی در خدمتگزاران دارند ناچار تکلیف بنده هم این بود که آن ها را با او همراهی برام دولت بکنم و بگویم با آنها همراهی خواهد شد که بروند دنبال کار خودشان.

بعد بر گشتم بنسفر در دراجت بنسفر يك تلگرافاتی از تهران بنده رسید که حس کردم آن حسدی که بنده زده بودم در وقت بیانه صحیح است یعنی يك اشخاصی آجا هستند که مایل و خوشوقت از آمدن این هیئت در آنجا هستند و يك اشخاصی را مورد اتهام قرار میدادند و میگفتند که به به املاکشان مناسب نیست یا خوب نبوده ولی بنده تکلیف خود را خود اجرا می کردم و تاج اراده دیگری نبودم.

بعد اشخاصی که میخواستند شکایت کنند و مسترسیده متدرجا آمده اند از جمله کسانی که مورد شکایت شهری و غیر شهری بودند يك شخصی است باسم محمود کالی سانالی که یکی از ادرار نظیر محده رشید است و تا قبل از شهر بودم در زندان بوده است و به الا شهر بود آزاد شده است و رفته است.

این شخص را گذاشته اند آنجا که حظ آن سرحد را بکنند

بچه در صفحه ۳

مرتکب يك همچو عملی شده باشند اتفاقاً قسمت آخر تلگراف تا يك اندازه ای بیش یعنی بنده را تأیید کرد مهذا البته بيك مأموری که فعلا در آن خط است گزارش میدهد و اطلاعاتی را میدهد از اطلاعات بنده که تقریباً یکسال و نیم قبل دو سال قبل در آنجاها بودم خیلی تفاوت داشت اینطور پیشنهاد کرده بود که در مهاباد حکومت نظامی برقرار شود و سناً بنده در آنجا بوفتهاد کرده با این اطمینانی که داد بنسفر است که خود هم بيك مسافرت بگردستان و مهاباد بکنند گفتن من حاضریم اگر خطر هم باشد برای بنده اشکالی ندارد منتهی برای اطمینان خاطر از این قضیه یعنی اطمینان اینکه من حرف صحیح است گفتن ما بيك تلگرافی میکنم به این آقایان که بیایند تهران البته کسیکه تا بنده چه متدرج شده اند و خودشان را امر کر جدا کرده اند نمی آید بطهران گفتند خیلی خوب بيك تلگراف از طرف آقای ساعد شد بيك تلگراف هم بنده کردم و گفتم تا وقتی که اینها نیایند بنده حرکت نمیکنم زیرا ممکن است بيك مطلب تازه ای هم بنسیم اتفاقاً بيك هفته نگذشت که تلگراف آقایان رسید که حرکت کردیم آمدیم به مهاباد و آب گفتم ملاحظه بفرمائید کسانی که خودشان را بيکی از دولت جدا کرده اند باین زودی حرکت نمی کنند بیایند در این ضمن و بعد از این وقایع یعنی ده روز بعد از این واقعه خبر شراوت مصدر رشید اعلی حضرت هابونی امر فرمودند که خوب است شما زودتر بروید آقایان هم بعد حرکت کردند و آمدند و بنده هم رفتم بگردستان و مستند از آنجا به سز و بانه و مهاباد و آب و مهاباد و رشادیه و تبریز و بر گشتم به تهران جا داده از این مسافرت در قسمت کردستان خاطر آقایان را مستحضر کنم.

در اینجا آقای فهیمی ابتدا او خاع عمومی گردستان را شرح داده سپس اینطور بیان نموده:

مدتی است آقایان نمایندگان اینطور تقاضا فرموده اند که بنده خلاصه ای از مشاهدات خودم را در این مسافرت کرده ام برشان برسانم.

البته بنده هم تعجب می نمودم استحضار خاطر آقایان نمایندگان از مسافرت بنده مخصوصاً هت پیش آمدن این مسافرت و واقعه ای که در نتیجه آن این مسافرت پیش آمد هم برای سیاست ملکیتی و هم برای سیاست تجاریه این ملکیت های مفید باشد

اما علت مسافرت بنده
در کابینه آقای ساعد بيك هب رئیس ستاد ارتش آقای سرتیب وزم آراه به هیئت وزراء تشریف آورده بنا حضور آقای ساعد و بنده و آقای سرودی وزیر کشور بيك گزارش بسیار مفصلي از بيك مأمور رسمی که در مهاباد بود قرائت کردند خلاصه اینکه ناحیه منطقه مهاباد کردستان را بیکبارچه آتش و سوزی شده از دولت ایران معرفی کرده بود

رئیس ستاد ارتش اسامی اشخاصی را هم برده بود که آنها اسباب پیش آمد این قضیه شده اند که نسبت بآنها بنده سابقه زیادی داشتم و آنها را می شناختم یکی از آنها آقای قاضی محده بود آقای قاضی محده بيك شخص محترمی است که در قضایای شهریور که بنده رفتم بآذربایجان یکی از اشخاصی بود که خودش تنفها انداخته بود و دوست و یاریکننده از کسانی که مهاباد و آن حوزه را حفظ می کرد.

بنده در قضیه رضایه بنده ایشان را پاسیده ام و نه فریخ عبدالقادر مامورشان کردم یکی از طرف شمال دریاچه و یکی از طرف جنوب دریاچه رفتند و قضایا را خانه دادند و سد هم خدعات دیگری کردند و بنده با اتفاق ما آمدند تهران و کارهای کردند که بنده هیچ نمیتوانم در وطن برستی ایشان تردید کنم.

این بود که هابنجائی که تلگراف را میخواندم بنده تکلیف کردم گفتن این اشخاص را بنده میشناسم و گمان نمیکنم

آقای فهیمی

از کردستان چه گفتند؟

بچه در صدمه ۲

صافظنی که از سرحد میکند اینست که اتباع عراق را بدون گذرنامه میگذارد میآیند باینکه خود او گذرنامه میدهد

اموال قاچاق متصل وارد میکنند که این اموال قاچاق در اطراف کردستان فراوان است آن اجناس قاچاقی که بشهر میروند وارد کند و میفروشد برای مصرف داخلی است مسامت نکینه و آن اجناس را هم که برای صدور میفرستد میفروشد برای مصرف اورامان و مرابون است جواز لازم ندارد املاک اشخاص را هم تصرف میکند بیکمه را که ادعای مالکیت میکند بیکمه را هم می گوید من مباشرم اما چه قسم مباشری؟ مثلا حاج مشد کردستانی که اخیراً مرحوم شده املاکی دارند در آن صنعت از قراری که میکنند آن املاک صدهزار تومان عایدی دارد و آن املاک دست این شخص است و ده هزار تومان برایش فرستاده است و گفته است همین مبلغ عایدی این املاک است بضمی از صاحبان آن املاک آمده من جمله آقای دکتر اردبیلی که یکی از ملاکین آنجا است یک حکم از ستاد ارتش آورده که املاکشان را بگیرند و پس بدهند فرمانده گفت که من مانور اجرا هستم اگر حکمی از دادگاه دارم بقبول میکنم والا قبول نمیکنم بنده خیلی خوش وقت و متشکر شدم که فرمانده این اندازه رعایت قانون را میکنند اما اتفاقاً فراری آن روز بیکم دوسه روز از اندامری آورده بودند راجع بیکم دیگر دیدم که خودشان رای داده اند که ملک او را بدهند و معلوم شد که این کار را میکنند حالا ابلهان چه ملاحظاتی دارد چه عرض کنم؟

در هر صورت یک چنین ماموری مادر سرحد داریم ۱۰ مورد گرگ جرت نمیکند حرفی بزند و این آدم فوق العاده در امور آنجا مؤثر است و نفوذی پیدا کرده است شخص فرماندهم اینطور از او حمایت می کند ۱۰ رئیس ژاندارمری آنجا کفیل می رود سکی خیلی آدم خوبی بود ماموریش هم خوب بودند مورد عدم رضایت هم بود ولی نسبت بسلیات او جرت ندارد احترام بکند و پلارو آنجا بدیدم مصود کالی سانی انشاء میکند فرمانده از نظامی اورامان و مرابون بنده نپهاتم که اورامان و مرابون کی شهرستان شد و کی بهادر فرمانده از کرد و کی آنجا حکومت نظامی برقرار کرد بعد آمدیم بشار و خواستیم برویم مهاجرت آن ماموری که آنرا برت او نپهاده بود آمد دیدم که اصرار میکند که بنده

نروم میباید آقای سرحد علوی برسد بودنه برای چه نروم گفته بود برای اینکه خطرناک است سؤال کرده بود چه خطری میکند؟ حس میکند؟ گفته بود خیر اگر هیچکدام نباشد اتفاقاً تبارین راه متوقف میکنند و بر میگردد اند سرحد گفته بود که فلانی از هیچیک از اینها ملاحظه ندارد چون خودش داوطلبانه آمده است ترسو بیسی ندارد و خواهد رفت و ضمناً آروز خبر آمد که پاسکاه غوری ها پاسکاه ژاندارمری را خلع سلاح کرده است گفتیم ما میرویم چند تا ژاندارم همراه ما هست اگر اسلحه ها را هم گرفتند بگیرند خلاصه آروز رفتیم اتفاقاً پاسکاه غوری نهایت احترام را کردند خیلی هم خوش رفتاری کردند و بعد آقای علی برخلاف احترام از آنها دیده نشد پاسکاه ژاندارمری هم مسلح در جای خودشان بودند و هیچیک از آن چیزهایی که گفته شده بود نبود مصود آن مامورین این بود که آن چیزهایی را که او برت داده است حقیقت آن کشف بشود بعد رفتیم دوشب هم در بوکان بودیم بیکم عده از اشخاصی که املاکشان را گرفته بودند آمدند پیش بنده و شکایت خودشان را میکنند و ضمناً تصدیقی را هم ارائه دادند از مامورین سابق سبب شده یعنی از مرحوم سرتیب ارفع از گلشالیان و هر کس آنجا بوده که بعد از مرگ او اینها همیشه خدمتگزار دولت بوده اند خدمت کرده اند و بنده جز اینکه اسناد رسمی را که مامورین دولت بآنها داده اند معتبر بدانم چاره ای ندارم زیرا دیدم اینها وقتی خدمتگزار بوده اند وقتی که خلاف جدیدی از آنها سر از بند بیاهد آنها را بی جهت ترسانید از آنجا حرفی نوهتم بر فرمانده لشکر که این اشخاص بیکه گفتند سابقه شان اینست حالا آمده اند این جا و مدتی است آمده اند و اشخاص هستند که املاکشان را ضبط کرده اند حالا خوب است خود شما بآنها اطمینان بدهید که امیدوار باشم بیایند سر املاکشان و خدمتگزار باشند مقامات باین قسمت هم ترتیب اثر دهند و گفته اند بپهادر همی پور خیلی ترسناک بودند حرارت کرده غارت کردند اینها را میشود با آنها فرستاده بنده از آنجا رفتم به پایاد بستی مرکز خطر و آنش ۱۱۱ که تمام این هجرت ها را داده بودند اول که وارد خدمت یکم از تجار و علماء و محترمان آن جا برای استقبال آمدند

دولت بدیده احترام به کردستان مینگرده رفتار عناصر ناصالح و سنجدیده شمارا مکنر نکند. عمر فرمانروائی اینان بزودی خاتمه خواهد یافت بمراحم دولت امیدوار باشید.

صلحاً را تقویت کنید و اهریمنان را برانید.

مثل اینکه شنیده بودند که بیکم وزیر اطرف شاه میآید مثل اینکه بیکم ملکی است که از آسمان میآید باری بایکله ذوق فوق العاده استنبال کرده و اصرار میکند که بنده سوار بشوم و آنها پیاده بیایند بنده قبول نکردم گفتیم شیر آفتابان زحمت کشیده اند پیاده آمده اند خیلی در از انصاف است که بنده سواره بروم و آنها را پیاده بگذارم بخصوص اینکه برای ابلاغ مراسم اهل حضرت های بونی و دولت آمده سوار نیست که من سوار شوم پیاده رفتن تا منزل و بعد از ظهر هم تمام روزی اگر اد دست بدست آمده جز اظهار اطاعت و تکریم بدولت هیچ چیز دیگر نداشته و همه دلا بلی میکنند که انسان نمی توانست در مقابل آن صحبت بکند مثلا میکنند که ما سلطنت ایران را از روی عقاید مذهبی و اسلام و مطابق اصول و سنن اسلامی اطاعت میکنیم و برای صورت ظاهر نیست ما همیشه متدین ما ایرانی الاصلیم - همه واقف میکنند که چرا یکم دعوت گردید بتوران و ما را احضار نکردند ما باید شاه را ببینیم مجلس را ببینیم گفتیم که تعزیر این پادشاه است چون یکم از آنها بار نسبت عالی ایشان داده بودند آن ها را خواستیم البته شمارا هم خواهیم خواست که بیایند به تهران بدست اهل حضرت شرفیاب بشوند. دولت را هم ملاقات کنید. دولت هم شمارا ببیند شما هم دولت را می بینید حضور اهل حضرت های بونی شرفیاب میشود مجلس را می بینید شما ایرانی همیشه در آن دوسه روزی که بنده آنجا بودم جز اینکه دست بدست میآمدند و مطالب خودشان میکنند و اطاعت خودشان را اظهار میکردند صحبت دیگری در این نبود فقط شکایتان از آن فرمانده بود که او همیشه قصد داشتند آنجا را باقی معرفی کند مثل اینکه اول هم که رسیده بود همه میآید با او سخن میگویند و او میگوید خدمت گذاری میکنند می گفتند که ما همیشه خدمتگزار و مطیع دولت بودیم. ایشان در جواب گفته اند که کی گفته است اطاعت بکنید دولت احتیاج بدست شماها ندارد و بدهم میکنند که باید شما اهدام بشوید. این وضع پذیرائی او بوده است و در مقابل خدمات اشخاص با اظهار اطاعت و انقیاد کسانی که تا این درجه خودشان را ایرانی میدانند مقضی است که انسان بآنها نفس بدهد و با نظر بخش بدخترتی صحبت بکند - اینها خدمتگزار دولتند بطور مثال عرض میکنم قرنی آقا اسمع شاپس رئیس اهل ماش این یک آدمی است که همه میدانند که ایرانی متصب است و همه میدانند که پیش او اسم ایران را بیکه میشود آورد بیکه بپهادر میفرستد است پسرش در آنجا با حضور فرمانده و رئیس ستاد مذاکره میکرد میگفت که من خودم سرباز بودم و پدرم سرباز بوده است و بعد سرباز بوده است ما همه مان سرباز دولت بودیم و بدولت خدمت کرده ایم و خیلی گفته ها داده ایم حالا جواب این قسمت را میگویند آقا هر سر لشکرها خدمت کرده اند و توی قصرند همه باید بروند آنجا. این چه حرفی است که باید بآنها برونه که همیشه آنها را نسبت بدولت ظنن و دولت را نسبت بآنها بدگان کنند کدام سر لشکر بقصر رفته است و واقفان این صل فوق العاده بد است و بلکه همراهی باید بآنها کرد.

یک کسی که افتخار میکند با برانیه یا او این طرز باید رفتار کرد. باید باین گفته که ایرانی نیستی آنها از طرف کسی که خودش معلوم نیست چه آرایش کسی است

از طرف اهالی مساباد و کردستان بنده با کمال اطمینان عرض میکنم که این معاملات که با بران دارند نظر ندارد ...

تلگ

رافنی از سقز

میگویند

مالیات بچیپ

... یکی دو نفر از اعضاء مسالیه
سندج صحت بجان مردم افتاده بنام مالیات
بر درآمد موقوف بر کردن کبسه خود...
میباشند. معلوم نیست آیا رئیس دارایی
از این موضوع مطلع است یا نه! اگر مطلع
است چرا جلو گیری نمیکنند و اگر مطلع نیست
چرا در صدد شناسائی مأمورین و تشخیص
صالح از نامالح نیباشد.

ما از تذکر این مطلب ناگواریم که
در کشور ما نظم و ترتیب اداره یا در هم
برهم بودن آن و درست حمل نمودن
کارمندان یا بازار سوء استفاده فراهم کردن
بطور کار و رفتار و نظر رئیس آن بستگی
کاملی دارد و صالح بودن رئیس در حالی
که اعضاء مشغول چه بین هستند منافی
جز در هر شکلی او ندارد البته اینهم
تصدیق است که عدم ایاقیت او را برای احراز
چنین مقامی ثابت مینماید.

اهالی منطقه سقز و بانه با نهایت احترام
خاطر کلیه مقامات مربوطه لحاظ
احساسات پاک می آرایش خود خصوصاً
حسن قدرانی متوجه میسازیم استعدا
داریم این قبیل اظهارات اشخاص که
قطعیاً بی شرفت مقاصد شخصی مشوب
ساختن ذهن عمومی مبادرت مینمایند
ترتیب اثر نداده افسران لشکر که
در ایفای وظیفه خود دغدغه و جهد نموده
مورد توجه پاک قرار دهند امام جمعه
اسعدی انوری طاعری رئیس ایل تپه
کوه علی همه و یسی حسن ملکی محمد
سید تپه کوهی طالب دیناری صالح
رحمانی میرزابابا تپه کوهی صاحب
دنداری صالح سلطان پناه رئیس منطقه
سرشبو شیرازی اصلانی شریف عرفانی
محمد رشید باقی طباطبائی حسین و کیلی
علی افشاری شهر وی محمود شهبانی
احمد فلاحی عبدالله فیروزی محمد امین
دولتی حکامی خانان اردلان محمد
امین اردلان حسن اردلان آقا برار
اردلان ابراهیم صدیقی محمد و کیلی
محمود سلطانی و کیلی شریفی اطمینانی
و توفی صحت اعضاء های بالا مورد
گواهی است رئیس شهربانی سر بهر
واستکار

برای مزید اطلاع امضا کنندگان
اضافه می نماید که اینجانب فقط در
طفولیت سقز را دیده و دیگر تاحال
سعادت مسافرت به آن مضعفات را
نداشتم خوب بود قبل از امضاء تلگراف
از مقامات مربوطه کسب اطلاع
میفرمودند.

صفحات نامه کوهستان برای شما باز است.

از نوشتن عقاید اصلاح طلبانه خود، خودداری

نمائید.

در منطقه سقز و بانه مریدان مشاهده مقامات صلاحیت دار این
قبیل اظهارات اشخاص مغرض اغفال شده زحمات يك مشت افسران
ارتش که جان خود را در راه بر قراری امنیت آرامش منطقه
کردستان قضا نموده کلیه اهالی ناظر بوده اند اینک خاطر عالی
را به مراتب مشروحه زیر معطوف اولاً موقع تشریف فرمائی جناب
آقای فهیمی وزیر مشاور آقای دکتر اردلان بعنوان اینکه بتواند
بدون ارائه مدارک دلایل و صدور حکم از يك مددکمه صلاحیت
داری املاک مریدان را صاحب تحت اختیار خود در آورده سقز
آمده در این مورد مشغول اقدام گردید چون نتوانست مأمورین
لشگری اغفال نماید این قبیل اظهارات مغرضانه مبادرت نمودند
تأیید آقای دکتر اردلان اظهار داشتند محمد رشید در مقابل
قوای دولتی مقاومت ننموده چنگی هم نکرده کاملاً اشتباه نموده
معلوم است آقای دکتر از جریان اوضاع بی اطلاع بوده اند زیرا
اگر آقای دکتر اردلان طول مدت عملیات بخصوص روزهای ۱۳
و ۱۹ شب ۲۳ مهر ماه در هنگ ژال کلی ده کانی سلگه منطقه
مرکزی حضور داشتند یا لااقل در همان اوقات در سقز بودند
بی خوابیهای شبانه را مانند ما متحمل میشدند هیچ گاه فدکاری
زحمات افسران افراد لشکر را فراموش ننموده میدانید حقیقا
افسران سربازان جان مال و ناموس ملت مستعبد منطقه سقز
و بانه را از ظلم فتنه محمد رشید علی جوانوردی سایر عناصر
فاسده همدست آنان خلاصی بخشید اینک عموم اهالی منطقه -
مادام العمر میساکدار بودند اینست آسایش کثونی دو سایه بنیل
توجه دولت لشکر همت سر تپه هوشمند افشار و افسران دانسته
میدانیم شاید آقای دکتر اردلان فراموش نموده اند هر عملی
انجام یافته نظر اشخاص که در آن شرکت نداشته سهل وساده
جلوه نموده زحمات مشترکین آن در نظر آنهایی که همان ساعات
ایام در خواب ناز بوده اند از شیرینی اغذیه استفاده نموده از
اوضاع بی اطلاعند قری منزلت نخواهند داشت قطعی سوار از
بیاده سیر از گرسنه بی اطلاع است نتیجه همین است بموض تشویق
پادش افسران افراد شرکت کننده در عملیات آقای دکتر
اردلان مبادرت به تنقید مینمایند آقای دکتر اردلان در موقعی
که اهالی مستعبد سقز و بانه بدبخت ظلم و ستم محمد رشید
علی جوانوردی گرفتار حتی ناموس و هستی عموم اهالی حطرت
بود کجا تشریف داشت امروز این ترتیب دلسوزی میفرمائید

مرفعی که اولین مقاله خود را
راجع باوضاع کردستان، در جریده
ملی ستاره نگاشتیم عده ای بی اطلاع
شاید گمان کردند منظور ماتامین نظری
خصوصی بوده و مفرضین خوشوقت بودند
از اینکه حربه ای بدست آورده و
خواستند از این نوشته سراسر حقیقت
ما منع خود استفاده نمایند. چه کردند
عده ای را از سقز و داشتند بیرون
تلگرافی نموده نوشته ما را بر فرض
رانی حمل نمایند و برای صحت هويت
امضا کنندگان هم عمل مضحکتری انجام
دادند و آن این بود که رئیس شهربانی
را گنند امضای آنان را تصدیق کند
آنهم در عین تلگراف !!

گمان میکنم اگر عمل اخیر انجام
نمیشد شاید تلگراف خواننده را تردید
می انداخت ولی نام رئیس شهربانی در
ذیل تلگراف عمل را قرینه اعمال
شهربانی سابق جلوه داد.

بهر حال مطلب بسیار کوچکتر
از این است که ما ستونهای از نامه
کوهستان را به توضیح وضعیت اختصاص
دهیم ولی برای اینکه عموم هم مبینان
از طرز کار ما آگاه شوند عین تلگراف
رسیده از سقز را برای اطلاع همگان
درج نموده امضا کنندگان را نویسمی
دهیم که رفته رفته دولت مسالیه برای
ایشان ایجاد خواهد کرد که بتوانند
آزادانه عقاید شخصی خود را بنویسند
و وضعیتی پدید خواهد آمد که دیگر
دستی یافت نشود که بنیوت تهیه کند
و آنان را با امضا و ادرا نماید.

اینک متن تلگراف

تهران ریاست محترم مجلس شورای
رو نوشت جناب آقای نخست وزیر
رو نوشت آقای فهیمی وزیر مشاور
رو نوشت وزارت جنگ رو نوشت ستاد
ارتش رو نوشت آقای محیط نماینده سقز رو
نوشت آقای دکتر اردلان رو نوشت
سندج فرماندهی لشکر ۴ رو نوشت
جناب آقای فرماندار سندج رو نوشت
روزنامه اطلاعات رو نوشت روزنامه
ستاره رو نوشت روزنامه سعادت بشر در
شماره ۱۹۷۱ روزنامه ستاره شرحی
بقلم آقای دکتر اردلان عنوان آقای
فهیمی در مورد افتاد از تیسار سر تپه
هوشمند افشار عملیات اخیر لشکر ۴

شکایتی اگر دارید مستقیماً به آدرس روزنامه

بما بنویسید و از اطلاعات مفید خود ما را مستحضر

سازید و مطمئن باشید در صورتیکه بنخواهید نام شما

مکتوم خواهد ماند.

کرد و کردستان

ملت کرد بطوریکه پدا در همین نامه شرح خواهیم داد یک ملتی هستند آری زاده و ایرانی الاصل و ایران خواه . که محل سکونت آنها را کردستان میگویند کردستان دو قسمت است یکی کردستان عراق دوم کردستان ایران که در تواریخ و جغرافیا بنام اردلان مشهور دارد . علاوه بر این دو قسمت که مسکن اصلی اکراد است . ملت کرد در نقاط دیگر هم از قبیل ترکیه و سوریه و فلسطین و هندوستان و افغانستان و بلوچستان و خراسان و شیراز و مازندران و کرمانشاهان و جاهای دیگر ... متفرق و پراکنده اند . در کتاب زردفرانس مورخه ۱۸۹۲ میلادی عدد اکراد ترکیه را بالغ بر سه ملین و کسری نوشته . اکراد ایران هم متجاوز از سه میلیون هستند . در سوریه و عراق هم قریب دو میلیون سکونت دارند که رو بهم رفته عدد اکراد بالغ بر هفت ملین و کسری است .

کردستان (اردلان)

یکی از زیباترین نقاط کشور ایران است که دست قدرت از حیت آب و هوا و جلگه و جنگل و کوه و صحرا و تپلاق و عتلاق و اراضی مستعد حاصل خیز و حاصل ثمر و کتبهای طبیعی دست نخورده و چشمه ها و سرازیرها و رودخانه های عسرف بر اراضی و هر گونه مرابای طبیعی و منتهای عالم تکوین . بیچوجه تصور نکرده است . مرکز فرمانداری آن شهر سنندج است که اصل لغت آن «سن دژ» بوده . هنگام سلطه و سيطرة اعراب مغرب شده است . این شهر در دامنه شمال شرقی کوه « آردیر » واقع است بدنی آردیر که یک سلسله جبال جلگه شهر را حلقه وار احاطه کرده است . که از هر طرف بخوانند وارد شهر شوند باید از گردنه سرازیر گردند « باستانی مجرای رودخانه لفلان » - یک رود هم از طرف شمال غربی شهر با نام « مایرون » بجانب جنوب غربی جریان دارد . دو محله خت و گلپایه (و از شهر مجری سوده از باغهای (گرباشان) حیکلدرد داخل رود عتلاق میشود .

قلعه حکومتی شهر سنندج را سلیبان خان اردلان در تاریخ ۱۶۰۶ هجری در بالای یک تپه طبیعی که در وسط شهر است ساخته . مقر فرمانروایان شهر است بعد امان الله خان والی کردستان آنرا در نهایت هکزه و لخلال توسعه داده با کتیبه های منقوش و برجسته و هاضمهای عالی توجه و ترتیبات در نگار در روی سنگهای مرمر گرابها و انواع رموز و دقائق مساری آنجا را تزین داد . اخیرا در چنگ بین انالی اول که کردستان محل تاخت و تاز اجاب و افتد بکلی آن را و هوش و نگار تاریخی از میان رفت . فقط یک بالاخانه

مصور باقی مانده بود . اخیرا سر تپه میند فرماده لشکر کردستان هم آنرا گنج مالید و از میان برد - مسجد جامع دارالاحسان که یکی از بناهای مرحوم امان الله خان والی است برای اقامه نماز جمعه و تدریس علوم دینی در غایت شکوه و تجلیل ساخته شده . اغلب بناهای عهده شهر و دهات از یاد گذارهای ولایت اردلان میباشد .

شهر سنندج در عرض ۳۶۶ درجه شمالی خط استواء واقع است . و طول آن فرما از نصف النهار تهران که مرکز کشور است تقریبا دو درجه و نیم میباشد . بنا بر این منتهای تفاوت شهر سنندج با شهر تهران تقریبا ۹۶ دقیقه است . یعنی نه دقیقه در روز یا موس « خرداد یا آذر » بزمهر تهران بگذرد آنوقت ظهر سنندج است . تقریبا سوس ساعت تفاوت بین این دو شهر است . چنانچه اینکه تمام خط استواء که ۲۴۶ ساعت است به ۳۶۰ درجه تقسیم شده . هر ساعتی ۱۵۵ درجه و هر درجه هم ۱۵۰ میل جغرافی است . که تمام خط استواء ۳۶۰ میل خواهد بود - پس سنندج از تهران ۲۷ میل و نیم است . بخط مستقیم تقریبا ۶۲۶ فرسنگ هشتاد و ذمی -

خط قیله - سنندج هم ۱۸۵ درجه غربا از خط نصف النهار مقناطیسی یعنی خط شمال و جنوب منحرف است - « سرعت حرکة وضعیه » سنندج هم بدور محور زمین در هر دقیقه تقریبا ۱۶۵ کیلو متر و نیم است . زیرا سرعت حرکة وضعیه زمین در نقاط استواء دو هر دقیقه ۲۷۵ کیلو متر و کسری است . و در قطبین صفر است . یعنی هر ۱۰۰ درجه دوری از استواء تقریبا سه کیلو متر حرکة وضعیه زمین بطئی میشود . بنا بر این شهر سنندج که ۳۶۶ درجه از خط استواء دور است دو هر دقیقه تقریبا ۹۵ کیلو متر و نیم بطئی تر از نقاط خط استواء حرکة وضعیه دارد که مقدار سرعت آن همان ۱۶۵ کیلو متر و نیم خواهد بود .

ارتفاع شهر سنندج از سطح دریا چنانکه میزان الارتفاع نشان میدهد ۱۵۰۰ متر است در « محله جنت » جمعیت شهر سنندج پیش از سال فسطی و سماعه . یعنی سال (۱۳۳۷) هجری متجاوز از (سی و دو هزار) نفوس بود . اما حالا تقریبا (۲۸) هزار نفوس باقی است . آتمم اکثر پریشان و محتاج و بخل هستند .

ایلات و عشیر در کردستان زیاد است که همرا اکراد میگویند . و مابا را گوران مینامند . اگر چه قانون

قضیه مهاباد

هفته گذشته اخبار متفرقه ای رسید که در مهاباد قضیه غیر مترقبه ای رخ داده که منجر به قتل پنج نفر باستان کشته است اگر چه تا اکنون گزارش های مفصل پستی نرسیده ولی از تلگراف های واصله کم و بیش جریان امر مشهود میگردد دو تلگراف از تلگراف های رسیده بلاز نظر خوانندگان خواهد گذشت که یکی رسمی و دیگری تلگرافی است که از طرف قرنی آقا مامش رئیس ایل مامش برای مستحضر ساختن دولت از جریان حادثه مخایره شده است :

۱- تلگراف از میان دو اب ۲۴ ر ۱۱ ر ۳۷

شهربانی کل کشور رونوشت شهربانی رضایه ساعت چهار بعد از ظهر ۲۶ بهمن ماه در حدود هزار نفره رجاله مسلح و غیر مسلح با تحریریه زیر نام فرزند کجغلی مالک قریه تانسیس کندی من محفل بوکانت از مقامیه بیک شهربانی حمله ور دو نفر سر - باستان و سه نفر باستان متغول چند نفر زخمی بقیه متواری تلبه اسلحه و ارتبه شهربانی و ارتبه فدوی و چند نفر مامورین که در شهربانی منزل داشته اند غارت و تلبه و سنج شهربانی را بکنی نابود آفایان منگور مامش پسران فرماندار و فووزرا از خطر نجات داده چون مهاباد تلگراف ندارد منتظر وسیله است بیاندو اب رفت مراب را مشر و حاجت برض پسرانم افشار پناه

۲- تلگراف قرنی آقا مامش از سلدوز ۱۴-۱-۲۳

خیابان سدی چهار راه سید علی کوچک تلگرافخانه شماره ۱۰ توسط فرزند اسی وزیر جناب آقای نجیبی وزیر مشاور اطلاع عرض میشایند . روز ۲۶-۱۱-۲۳ هزار خان نام بیگرا ده مو زاده احمد خان که او هم یکی از همدستان محمه رشید پناه بوده که فعلا در شبه در سلدوز

سرشوار تا اکنون در کردستان بعد کمال مجری نشده . اما بطر تخیسی که نزد یک بحقیقت است میتوان جهت کردستان اردلان را متجاوز از چهارم هزار نفره تعیین زد . عموما اهل سنت و جاساتانده و تابع طریقه امام معده شامی که همگی از روی عیبده رایبان شاه دوستند و شاه را اولوالامرو واجب الاطاعه میدانند . و تعطف و نبرد از اوامر شاه را حرام و خلاف شرع بلکه گناه بزرگ میدانند اینک گهی دیده میشود که عشار گرد بر ضد مامورین دولت مصعبی پاره اقدامات میشوند باین جهت است که می بینند مامورین دولت برخلاف نظریات پادشاه با مردم رفتار میکنند . یعنی با جان و مال و عرض و ناموس اکراد بطور خصمانه و بیرحانه معامله می کنند . بدیهی است که پادشاه راضی باینگونه معاملات نیست . بنا بر این از اطاعه آتمم مامورین منتمت پرست خیانتکار خارج میشود . زیرا آنها را خائن بدولت و ملت میدانند . بلکه دشمن جامعه تلقی میکنند باین جهت نایبوانده از این قسم مامورین میگردد . چنانکه بسکس هر وقت مامور دوستکار و بیخرویی طمع بکردستان آمده همه او را دوست داشته اند . و همیشه آنها را بد کرد غیر یاد میکنند .

در شماره های آتی این نامه باشواهد و دلایل تاریخی ثابت و روشن خواهیم کرد که کردها همه جا خدمان برجسته و شایان تقدیر بکشور ایران کرده اند . و شاه پرستانه از تطاول اجاب بحدک ایران جلوگیری نوده اند . و در راه استقلال ایران جان بازیها و فداکارها کرده اند . و همیشه محبوب پادشاه و طرف توجه دولت بوده اند . اخیرا مامورین نادان برای انجام نظریات پست خود تهنیتا بستند و بیباکها دوختند و در بین دولت و ملت کرد برده های طلبانی کشیده تا بالاخره دولت را از ملت کزده متفر و ملت کرد را از دولت منحوش ساختند . و دارک از آب های گل آلوده ماهی می گیرند امپواریم در آتی نزدیک روغن هود که کردها از صمغ نلب کشور ایران و پادشاه ایران را دوسد دارند

بیانات آقای آصف

نماینده کردستان

آقای آصف نماینده کردستان پس از مراجعت از مسافرتی که بحسب آقای وزیر معارف بکرده‌است سوره بوده نظریات خود را در مجلس شورای ملی اعلام داشته اینک خلاصه او از بیانات ایشان را ذیلا بنظر خواننده گان گرام می‌رسانیم :

سکوت و لجابت هما وسیله سوء استفاده
لغو پرسغان است . این سکوت را بشکنید
و درد های درونی خود را بوسیله نامه
کوهستان بسمع اولیای امور برسانید .

کردم مفادش این بود : علاوه بر اینکه شخص آقای نبیسی یکی از رجال مجرب و کاردان و کلاه‌ویک‌نفس هستند از طرف دولت و اعلیحضرت هایونی ماموریت دارند برای اینکه مراحم شاهانه و توجه دولت را بر مردم ابلاغ کنند که مردم بدانند آن نظریاتی که سابق بوده است حالا نیست کرد و کردستانی همانطور که همیشه جوره لایقانه ایران بوده هستند طرف توجه مجلس و شاه و دولت هستند به‌علاوه آنکه بنده از دوستان و یار و چوایز و دوستان و اورامان و مریبان و تپه کوه و خرخره و سفر و بیانه ناپرسید به‌پایان این سده امضاء شده را بعضی کردم تمام رؤسای عشایر با کمال اطمینان و خوشحالی با خودشان یا پسرانشان آمده بسلامت این وزیر و مطالبی که داشته و مقاصدی که داشته نامبروایشان گفتند (تصور میکنم آقای نبیسی توضیحاتشان بگفتند) کامل نبوده است البته همه هم این انتظار را از ایشان داشته هر چند بنده اینجا نبود ولی آنچه از حکامان خود شنیدم بعضی چیزها را ایشان با صلاح رسانده است این با اینطور متفنی بوده است با اغماض کرده اند و از اظهار بعضی قضایا چون داخل هیئت دولت هستند خودداری کرده اند) به‌علاوه آنکه ما از شهرستنج برای بیرونیا رفتیم هر جا که قدم نهادیم تمام اهالی با کمال خوشحالی با آغوش باز با کمال مسرت از ما استقبال کردند و مطالب حق خودشان را اظهار کردند . بنده از سفر با تصرف بدوجهت خواستم بروم یکی اینکه یک کسالت گریبی پیدا کردم که حالت خوب نبود دوم اینکه گفتن من برای منطقه کردستان که مرکزش سنندج است آمده ام ولی دولت باعث شد که رفتم سنندج می‌بینم آنجا بنده توجه پرمایه یکی اینکه انتشاراتی که می‌دادند که شاید از سفر با تصرف اگر ما برویم چندان بنا خوش نیکنند و ولی رفتم این اظهارات در میان حسنی که با آقای فیهن اللک مشغول مذاکره بودیم که بنده برگردم سنندج و ایشان بروند یا طرف دیدم از طرف بلغاری زاده های میباید پسرانشان آمدند و از ما دعوت کردند من دیدم این دو جهت ایجاد میکند که بنده هم با ایشان بروم این بود که بنده هم رفتن بیوکان و سامیان که مرکز این ایلخان زاده های عشایر میباید یعنی آقایان حاج بابا یزدی آقا محمود آقا باقیه بیکنار در بیوکان و بیکنار در حامیان منزل آنها میبایست بودیم آنچه که بنده در آن بیست و چهار ساعت دیدم این بود که آنها را بیکر در میان متمدن و متمدن و ایران دوست و دوست و نوع دوست و خشنود که خلاصه هر چه را که شنیدم بودیم عکس آرا دیدم و حالا هم چند نفر از آن آقایان برای ابراز خدمت گذاری آمده اند و می‌بایست در تهرافت هستند بنده دیگر از حسنیان مراجعت کردم آقای نبیسی از آنها رفتند بطرف مهاباد و آب و مهاباد و دیگر آهسته آهسته خودشان می‌دانند و بعضی رسانه اند . عرض کنم پس از رفتن ما از اینجا سنندج گرچه از روی قربت و نیاز معلوم بود ولی بنده فهمیدم که یکسره از مامورین این رفتن مایه‌اللهان بد آمد برای چه ؟ برای اینکه سفره که برای بره گهی گسترده بوده و منظوری که داشته وقتش ای که کشیده بودند برای بد بعضی یکسره رفتن غنی ماند .

اصل فائده چه بوده ، و نظر رئیس قوه قیاسه یکی مصدری به پناه ای و یکی محسوسه کانی سانی آنها سرچل و پل و پسران و بکران اختلاف داشته یعنی سر املاکی که در مریوان است که آن املاک بیکسری مربوط است چو بوقیان بنده (نه خود بنده) و بیکسره هم چند نفر از فرزندان آقای آصف از اولان نماینده محترم و چند نفر از ساکنین شهر بیکه دولت از رؤسای اهل اختلاف بوده است محمد رشید پرادرش را .

تن از آقایان وزراء هم تشریف داشته و رئیس ستاد رات هم بودند راجع باجا باک ما اگرانی شاه ، بنده گفتن الان من از شیران می‌آیدم دیدم روزنامه نروها داد بزنند نقل و لغات کردستان . مع دورم از آنجا ولی چون اهل معلوم و نایک انمازه ای زمینه در دست دارم تصور میکنم این اختلاف بین دو رئیس قیله است و برای دولت شایسته نیست با یکدیگر اینقدر آب و تاب بدهد و این موضوع کوچک را بزرگ کردن از اهمیت دولت بیگانه . بنده باین اندازه اظهار ضربه کردم و خود آقای ساعد هم تأیید کردند نظر بنده را ولی سیدان چه نظری بود ؟ چه حسنیان در این باره گفته اند که بنده سیدانم چاره ماموراند و امیجور کردند چند سرتون از ستونهای خودشان را بر کردند از لغوا و قتل و لغات و جوار و جنجالی که در آنجا راه افتاده و تمام هم میهنان ما را متوجه کردند با آنجا . این بود که منجر شد بساموریت آقای فیهن اللک و از روی تقاضای دولت و تبادل دیگران محترم بنده هم رفتم حالا وضع آنجا پیش آمد آقا و مسالمتی که از طرف شرطتت در آنجا شد و تقاضای آن که شد یعنی خواهم بعضی برسانم پس از ورود ما سنندج و نقاط مختلفه آنجا این موضوع خودخواهی نیست که بنده از مویطان خود تشریف بکنم آنجا یکی که می‌داند می‌داند که آنها متمدن و متمدن و موع خواه و ایران پرست و بیون پرست و مطابق سده پشان هم شاه عادل را دوست دارند تمام طبقات آمده بسلامت ایشان و بنده ، با کمال خوشحالی هر نوع مطالبی هم که داشته و متقاضی بود با ایشان مذاکره کردند ، اما رؤسای عشایر و ایلات و آنهاییکه در بیرونیا و تعصبات هستند آنها نزدی می‌داشته در آمدن و مسالمت ایشان ، تردیدشان هم روی این اصل بود که خاطرهای ناهای از ما دورین بر ما محترم سابق داشته از مامورین موزی که غیر از پر کردن جیب خودشان و بدبخت کردن مردم منظورشان چیز دیگری نبوده است آنها می‌گفتند خوب ایشان هم وزیر نه یکدیگر وزیر چهار آتشه هم هستند چون چند نفره وزیر بوده اند (دوست کردگان با این بزرگی - درشت شریفه اش اکبر) باید یکسره ششدر را بگفتند و سرمه را بیزنه بنده دیدم که لازم است در این موقع این سوء تفاهم را رفع کرد ، این بود که یک عرضی را نوشتم و در واقع بگفتم سیدان سده ای را در تمام آن منطقه بنده بعضی

بطوریکه خاطر آقایان گرامی مستحضر است بنا بقضای دولت وقت و تبادل هم کاران محترم جنیدی پیش با تفاق آقای نبیسی وزیر معارف برای سرکشی بکرده‌است و همبازندم ، وظیفه خود میدانم گزارش مربوط باین مسافرت را بر عرض مجلس برسانم پس از ذکر مقدمه ای راجع بسامورین دوباره مفرضین اینطور بیان کردند ،

« این باز بکران ، این وطندروشان این خانها حالا در دوره دیکرسی هم راحت نی‌نظننه بنده مستخدم در کشور مشروطه با توافق مجلس شورای ملی و شخص پادشاه تمهیدی بزرگ می‌شود بنفع جامعه پرداخت ، امروزه متقاضی است تمام مصالح عالی کفورا اعلیحضرت هایونی و مجلس شورای ملی از راه قانون دست این اید می را ازین جامعه کوتاه کنند یعنی با آنها بی‌مانند که آقایان این املاء شما بوسیده شده است و در واقع بیوکان ترمیم دو مقال تا یک و توب و خبیاره امروزه آروزی ندارد ، سرتان در جامعه فاش است دیگر اینکه تا کون در مقابل آن علیان رفتی که نوده اید خانواده علوا بر باد کرده اید خانه ها را خراب کرده اید غنیها را تهر کرده اید اینها همه مجیب شما رفته است ، بنگام رسیده اید صاحب همه چیز شده اید ولی چون هنوز دولت به شما کسک نشده اید برای میر اتفاق و عدالت قرار نگرفته اید بر کنار بروید بگداوید چند حسابی جبران گذشته این ملت ایران این بازنده ملیونی که سر برستی‌شان را بنین عده سپرده اند یک آب و حتی از گلوشان فرو رود و یک اهلیاس با کد امی هم در این کشور هستند یا در کوفه و کنارند یا اگر در داخل کشورند در اولیای هستند آنها را بیابید مصدر کلر کنید .

حالا بروم بر اسل موضوع هر ابض بنده راجع بکرده‌است مربوط بساین سده است و این سدها انید و پیش آمده ای که در آنجا شد و در تهر ان اسب و اهلان گذاشته در صورتیکه با دلایلی که حالا عرض خواهم کرد تصدیق خواهند فرمود که فائده نبوده این نان و توفی بود برای میان با بیکری ما . بنده قبل از رفتن با آنها ملاقه فرمودم و هیچ چیزی از لایحتم بعضی برسانم بچه نظر برای اینکه امروز بتوانم مطالب را گشاده بگویم بعضی برسانم فقط چند روز قبل از رفتن جناب آقای ساعد رئیس الوزرا وقت بنده و دعوت کردند بکاخ و از وقت امروز خواجبه ، آنشب چند

بیانات آقای آصف

جله از صفحه ۶

چنگکه یکی از آنها فرستاده و آن یکی دیگر هم آمده و بقوای دولتی متوسل شده و اینها هر دو باغی و متشدد قلندار شده اند پس از آنکه نمای دولتی حرکت میکند بطرف سرویان بین همان محمود کای سانی ویزاد محمد رشید یک زدوغوردی می شود در عرض دوسه ساعت و هر کدام از یکطرف رفتند چندانکه از طرف - فل هم یک سوزی آمده بانه محمد رشید صلیبات چنگی نمیکنند منتهی یکطرف کت بسیار زشتی میکنند که هم بقویش خسارت وارد می آورد و هم بیایه بینی اول خان خودش را آتش زده است و بددم خانه خان پناه را ویدگذاشته و رفته است این است گما هو سف این غارت و این چارو و جنگل و این تمام بر طبق دولت بود که استرا - گداشته و مجبور کرده مدیران چراغ را که اینطور بنویسد - لا بنده از آفتابان یک سؤالی میکنم - کردستان از شش فرسخی همان شروع میشود تا برسد بستند و از آنجا برود به بندچین و برود تا شاک عراق و از آنطرف تا برود به پایانه تقریباً پنجاه هزار کیلومتر مربع مساحت دارد و بالغ بر چهارصد و پنجاه هزار نفر سکنند و در هیچو معلی اگر به خانه ای آفتابوری که آفتابان روی مقاسد شخصی نودشان - لویه میدادند بود ثلث این عدد ربع این عدد ده هزار نفر لائل باید در اینکار شرکت میکنند باید چندین جانیاس پیدا کنند با اردوی دولتی و جنگ میکنند باید چندین زدوغوردی بشود باید یک عدد زیادی از طرفین گفته بشوند - اقسلا باید صد نفر از طرفین گفته بشوند - بنده میدانم چرا آفتابان اینقدر چارو و جنگل راه انداخته اند این خبرها وقتی که آمد آنجا اهالی کردستان خیلی در گفت ممانده و حتی دوزخی یکی از لایحه خودشان مذاه لشکر که در یکی از چراغ نوحه شده بود اینطور گفته بود که این اقامی که قشون در آن جا کرد لکه شهر پور در است حالا بنده یک سؤالی میکنم آن طرفی را که میخواهند تطهیر کنند قسمت ظل آب لازم دارد و باید کرد تا آن طرف را تطهیر میکند - این موضوع خودش چه بوده که شهر بود را بشود - و چرا اینها چار و جنگل راه انداخته اند بنده باز عرض میکنم این مکان همان مکانی است که عرض کردم در اینجا بیش از هزار مرتبه قسم پادشاه عقبتش این بود که خدمتتان عرض کردم اهالی کردستان صوماهان عقیده دیرینه را دارند همیشه خودشان را با ملت ایران یکی میدانند یکی هم هستند اینطور هستند براظار دارند که دولت مطابق سکنو آنها با آنها رفتار کند - هندی ام در یک حضری گفته شده است که لائیکس زیاد سنگه کردوا سپه میره اینطرف و آنجا

خنده آور است اگر من سنگه کردوا بسپه نرم کی برنده و بعد در جواب آن بزرگواران و بانجان چین دور قاب ما - این جمله را نه تنها بسج ابرائیان نجیب میرسانم بلکه بسج عالیان میرسانم - مزیکتفر کرد - یک مسلمان ایرانی مشروطه خواه هستم بنی مشروطه مطابق احکام آسانی و قوانین پارلمانی که جامعه ایران در لاری آن دو مهه آن در امان باشد تا این است را دارم در مجلس هواری ملی مثل همه همکاریم مدافع حقوق همه ابرائیان هستم خصوصاً که در استان زیرا مسقط الراس بنده مستخرج است و آن موکلین که بازده دوره است در تحولات هر زمان در در تغییراتی که پیش آمده بدون تغییر عقیده این افکار را به بنده داده اند - در مقابل این احسانان - سرشار - سر و جان را نتوانگفت که مقداری هست - هر وقت هم که نایبند نبودم دوشا دوش خادمین این ملت وظیفه ملی خود را انجام دادم - بنده چه میکنم بنده عرض میکنم ۱۵ میلیون ایرانی باید نژادته منتها از روی یک مقتضای بر بانهای مختلف حرف میزنند یکمده فارسی - یکمده کردی - یکمده ترک - یکمده عربی میگویند و همه آنها با هم برادرند باید در مقابل قانون و تاسیسات هو می بر برابر باشند تفکیک و تمییزی نباید در بین باشد آفتابی که با نظرسوه برای آن مقاصدی که در اول بیانات خودم عرض کردم به ایلات و عشایر اکراد حله میکنند باید به تاریخ مراجعه کنند و ببینند که آنها در این مبین چه خدمات خابانی را باین آب و خاک کرده اند مگر بنده مدعی هستم میگویم اهالی کردستان همه خان نثار شب میخوانند بنی این چهارصد و پنجاه هزار نفر - نه بنده چنین عرض را نمیکنم - بنده عرض میکنم که یکمده سعودی در هسلان او را امان و مریوان هستند که در دهات خود بنده قابل من و قابل همین آقای اردلان نایبند محترم و سایرین دست اندازی می کنند ولی اگر بنده نظر خاصی داشته باشم بساز می گویم که باید ده هزار نفر را قلع و لوع کرده استقرافه بنده میگویم دولت بسزله یک پدر خانواده بزرگی است که ملت باشد و باید معاملات او معاملات پدرانه باشد نسبت بفرزندان خود - اگر در یک خانواده ای که پنج تا ده تا اولاد بود اینها صالح بودند و یک ناصالی هم درین آنها پیدا شد پدر با آنها چه معامله ای میکند - دولت هم با احساس مشرد اگر درین ده هزار نفر صد هزار نفر پیدا شد باید همان معامله را بکنند - اگر چنانکه در این باغ چهارستان یک طرف هرزه ای پیدا شده باید کند و

انداخت بیرون ولی اگر باغبان برای اینکار بخواهد برای استفاده هفتی درختان کهنی را که مردم دوزیر ساپه اش میخواستند از تشرش استفاده میکنند بایشه و تیر بزنه با بیشتر با همان تیشه و تیر زد نوی سرش ناسردم راحت باهتد ملت و دولت باید طرز معامله شان باهم اینطور باشد -

سبب اینطور پیشنهاد نودند - بنده عقیده منم در عرض ۶ ماه یکمده یا سال یکمده یک هیئت هائی تشکیل بشود این یک مختصر علاجی است بدون ماهیست از دردها مینالیم و کثیر دیال علاج میرویم که آن هیئت ها بروند شهرستنها و بلوچان و دهات - یکتفر از رجال محترم دولت - یکی از نمایندگان مجلس - تعداد کسی همچون پشت من - بشهوارگی چون سر الکت من - بکثیر از خدات - یکی از افسران بی عرض و مرض بیننده وضع مردم چه جور است فرهنگشان از چه قرار است بهداریشان چه تربیتی است - زنده گایشان چگونه است - معاشریشان باهتد که چگونه است و معاملات آن مامورین خدانشناسی و پول شناس با آنها از چه قرار است - حالا این از در عرض بیش نیست یا اینکه مامورین از نیکان و نیکانند که باید از آنها تمویق بکنیم چه بهتر که همچو هیئتی شاهه اصالح آنها باشند امام بدهند پایه بدهند - تشویق بکنند - اگر از آن طبقه بدها و نابالاک هستند که مثل گاو پیشانی سفید بپاچه معرفی کنند و بگذارد که مردم در دوره دمگراس از هر آنها خلاص شوند -

آگهی

نهمین شماره نامه کوهستان را مستقیماً برای آقایانی که لائیکند بفرستند دادیم و می توانیم فرستادیم و شماره های بعد را نیز بفرستیم خواهیم فرستاد و تا موقتی که علم قبولی اشتراک را کتاب با اطلاع نهاده شماره های ارسالی را پس فرستند آنان را مشترک می دانیم زیرا نامه کوهستان برای هیچکس مجاناً فرستاده نخواهد شد -

صاحب امتیاز و مدیر مسئول :

دکتر اسمعیل اردلان

بهای اشتراک سالیانه ۴۰۰ ریال

تک شماره ۴ ریال

مقالات وارده مشرد لیشود و اداره روزنامه در درج با حله و اصلاح آنها آزاد است
محل اداره : خیابان پهلوی کاشی شماره ۱۵۲۴
تلفن شماره ۸۵۳۹
ساعات مراجعه هر روز صبح باستانی اهلیم تعطیل از ساعت ۹ تا ۱۲ میانه

چاپخانه کشاورزی

تلفن ۱۷۸۷

خودکشی ژاپونیا

در میان ملل جهان ژاپنی ها مردمانی هستند که بزرگ چندان اهمیت نهاده بر مسائل مختلف بخصوص نژاد که لعنه به حیثیت آنان وارد کند خودکشی مینمایند و با این عمل اعتراض آمیز حیثیت خود را محفوظ میدارند. چه با سکن است افسری بعلت عدم توفیق در جنگی خودکشی کند، یا شخصی بعلت اینکه در ماموریتی که بعهده اش گذارده شده از عهده انجام بر نیامده انتحار نماید.

یکی از طرق معروف و مصرح خودکشی در ژاپن (سو کویاهاو کین) است و در گذشته اصلی است فراتر از این و مردانه و با انجام آن توهینی که به حیثیتشان وارد آید جبران میگردد. از این جهت از طفولیت فرزندان خود را بطرز سهل و چگونگی اجرای آن واقف ساخته می آموزند تا در موقع لزوم با بصیرت و اطلاع کامل باجرای آن اقدام نمایند.

عمل خودکشی در محل های مخصوصی انجام میشود. انتحار کننده پای برهنه از معبری که از کاه گسترده بر روی زمین تشکیل یافته میگردد و بسجل اجرای عمل میرسد. دوستانش با لباس های مخصوص در آنجا ایستاده منتظرند عمل انتحار انجام یابد. بعد از آن چندی روشن قدم و قبل از خاموش شدن این فسمدان ها باید کلیه تشرفات انجام گیرد. ۱۵ دقیقه پیش وقت نیست. فرمان مرگ خوانده می شود. یکی از دوستان یا نزدیکان سینی واکه در آن کلاه مخصوص قرار دارد جلو میآورد. انتحار کننده آن را بر می دارد در حالیکه کسایش باغشیر های از خلف بیرون کشیده، بالای مرش ایستاده اند. او کلاه را محکم در دست میگیرد و بخوت به پهلوئی چپ خود میریزد. کلاه باید تا دست فرو روده اندکی مکشی کند تا حصار بیننده از تیره چیزی بیرون نیفتد. آنگاه کلاه را بخوت بطرف راست میکشد و بدین طریق شکافی بزرگ وارد میآورد سپس تیره کلاه را بطرف بالا بر گردانیده به آهستگی میکشد تا در آن جهت نیز شکاف دیگری بوجود آید. میخواهد از حال برود که تیغ برای یکی از دوستان کردن او را قطع نموده بدین ترتیب خودکشی پایان میرسد.

نخستین شماره نامه کوهستان

دو نظر داشتیم نامه کوهستان را در سال آتی یعنی در ۱۳۲۴ منتشر نماییم. تکرانی هایی که در نتیجه جریان اوضاع اخیر گردستان تولید شده بود و متعجبانه بیان حقایق از طرف آقایان فیسوی وزیر مشاور و آصف نایبند گردستان در مجلس شورای ملی گفت ما را ناگزیر کرد قبل از رسیدن موعدهای که برای انتشار مرتب این نامه در نظر گرفت بودیم نخستین شماره را در این سال منتشر سازیم زیرا لازم بود هر چه زودتر ساختن مناطق مختلفه گرد نشین از نظر پند دولت و مجلس واقف گردند تا دیگر حقایق آنهایی که میخواهند آتش اغتشاش را دامن زنند و گردستان را لکه دار سازند رنگه نگیرد.

این شماره همانطور که از لحاظ موقع انتشار استثنائی است از لحاظ نگارش و مطالب هم همان جنبه را دارد.

شماره های آینده ضمن این که اصل کلی دفاع از حقوق مسلم اکراد مردم در برخواهد داشت حاوی مهمترین اخبار و وقایع داخله و خارجه، جریان مجلس شورای ملی و اطلاعات معلنی بوده ستون های مخصوص شکایت و انتقادات خواهد داشت و برای از باب ذوق و سلیقه نمونه ای از ادبیات کردی و تاریخ گردستان و شرح حال مقامات گردستان را در بار خواهد بود.

نامه کوهستان متعلق بشما هم میهنان و لاهر افکار شما خواهد بود

بدیهی است در این حال هر انتقادی که از آن بنامیه با نهایت دقت مورد نظر قرار خواهد گرفت و هر قدر از لحاظ تنوع مندرجات کنگ نامه پر رونق آن خواهد اثر د.

قضیه مهباد

پایه از صفحه ۵

علاقه عراق میباید در مهباد ضد دولت و مامورین نطقی ایراد و جمعیت زیادی از رجال مهباد را دور خود جمع بدارد شهر یانی مهباد حمله پنج نفر باسیان را بقتل رسانده و اداره شهر یانی را غارت و در صدد بود حکمه نسبت به فرمانداری مهباد روسای دوایر دولتی اقدام بکند خوشبختانه حمزه آقا و حسن آقا صو. زادگان چاکر و ایلخانی و حمید آقا برادران عهده آقا رئیس ایل منگور و حسین آقا هموزاده بایر آقا ابراهیم آقا برادر عزیزان نوروزی که ضلای در مرکز میباشند با محمد امین آقا و قرنی آقای سیرن که برای کار شخصی در مهباد بودند فوری عزیز خان و رجاله را پراکنده و جلوگیری بمعافقت فرماندار و سایر دوایر دولتی برداشت فرماندار هم تاریخ عمر ۲۶ از چاکر استرداد کرد با همه اینکه چاکر از طرف دولت امر نداشتن نوری اقدام لازم را بعمل آورده به آقایان عشایر ماموش منگور - کورینک یران دستور دادم شدیداً ممانعت و جلوگیری بعمل آورند چنانچه از طرف عزیزخان و رجاله اقدام دیگری بشود بوسیله اسلحه تهدید و بکشند.

جسارته عرض مینماید انتظامات شهر مهباد که از طرف اولیای دولت دو سال بعهده چاکر و آقایان منگور و گورینک بود با اینکه سوابق چاکر از اولیای دولت معلوم است دکتر مرزبان موهقی که استنادار رضانه بود نظر باستفاده های شخصی وضعیت را بهم زده سکه چاکر زاده عزیز بسوابق مطلع عرض خواهد رسانید.

فلا وضعیت شهر مهباد اداره فرمانداری و سایر دوایر دولتی خیلی وخیم اگر چنانچه هر چه زودتر اولیای دولت نسبت به وضعیت مهباد ترتیباتی اتخاذ کنند اقامت مامورین فوق العاده رحمت و ممکن است تولید اغتشاشانی بکند.

امضاء قرنی مامش

۵۵۵

ماضلاتنا وصول اطلاعات موثق و کامل از هر گونه اظهار نظر خودداری مینماییم فقط لازم میدانیم از اقدامات وطن پرستانه ای که رؤسای عشایر مهباد در خاموش نمودن این فتنه با کمال جدیت و از خود گذشتگی بعمل آورده اند اظهار قدردانی نماییم

ا کهی های خود را که مربوط به مناطق

گردنشین است برای درج به نامه

کوهستان بفرستید

پلی کلینیک تهران

پلی کلینیک تهران که اخیراً تحت نظر آقایان :

دکتر عبدالعزیز اردلان

دکتر هوشنگ ظلی

دکتر جهانگیر جهانشاه

در خیابان سوم اسفند افتتاح یافته و دارای تجهیزات مختلفه پزشکی بسیاران گرد را که بی ضحاعت هسته بر اهلگان سالیه میکند و برای آنها یک استقامت دارنده بطور های کلی قابل میشود.